

دو بار دچار برق گرفتگی شده بودم. برای همین از رشته برق بدم می‌آمد. بازم فشار اطرافیان چربید و به بهانه اینکه رشته عمران اشباع شده است به ناچار به سمت رشته برق رفتم. بورسیه وزارت نیرو در رشته برق قدرت شدم. در دانشگاه هم گفتند کسانی که نمره‌شان بالا است گرایش قدرت و برعکس کسانی که نمره‌شان پایین است گرایش توزیع را انتخاب کنند.

ساعت دیواری هدیه وزیر

چون بورسیه وزارت نیرو بودم بعد از دانشگاه در سال ۱۳۷۷ استخدام وزارت نیرو شدم. چون بعد از مدتی علاوه بر کار در وزارت نیرو کار آزادی هم در شهر ارومیه مرتبط با رشته برق شروع کردم. چون پست‌های آذربایجان غربی اشباع شده بود و نیاز نداشتند به اجبار جذب برق منطقه‌ای باختر، یعنی اراک، همدان و لرستان شدم. در کمتر از شش ماه سرپرست پست شدم و بعد از دو سال سرپرست ناحیه نهاوند، ملایرو جوکار شدم. دو و نیم سال در نهاوند ماندم. پدرم بیمار و در نهایت فوت شد. به همین جهت به ارومیه انتقالی گرفتم. در این ایام ازدواج کردم و در بدو ورودم به ارومیه سه ماه روی دستورالعمل‌های ایمنی که پنجاه سال پیش تدوین شده بود کار کرده و چهار ایراد اساسی را بازتدوین کردم. وزیر نیرو به پاس سه ماه تلاش شبانه‌روزی‌ام یک تقدیرنامه به همراه یک ساعت دیواری به عنوان هدیه به من ارسال کردند.

شروع از سیم‌کشی ساختمان

در کنار کار در وزارت نیرو برای زمان‌های بیکاری یک دفتر الکترونیکی باز کردم. مدتی نگذشت که دیدم هفده نفر از همکارانم در دفتر با من همکاری می‌کنند. بیشتر کارهای

سیم‌کشی ساختمان انجام می‌دادم. کارمان خیلی خوب گرفته بود و براین اساس سیم‌کشی گمرک ارومیه را هم به ما دادند. در این پروژه سرویس ترانس‌هایشان را هم به ما واگذار کردند. در حین بررسی ترانس‌ها متوجه شدیم که بانک‌های خازنی‌اش منفجر شده است. اجازه گرفتیم تا بانک خازنی آنها را باز کنیم. همزمان در شرکت مرغ طیور غرب هم پروژه داشتیم. بانک خازنی آنها هم زیاد منفجر می‌شد. اجازه گرفتیم تا بانک خازنی آنها را هم باز کنیم. کم‌کم باترکیبات و اجزای بانک خازن آشنا شدم. مرغ و طیور غرب در جاده مهاباد هم در مجموعه‌شان انفجار خازن زیاد بود. اجازه گرفتیم و خازن‌های اینها را هم بررسی کردیم. همزمان یکی از دوستانم تعدادی آداپتور کاهنده برق برای فروش وارد کشور کرده بود. وقتی به پریز برق می‌زدند مصرف برق را کاهش می‌داد. چند تا از او گرفتم و بررسی کردم. حجم اینها خیلی کوچکتر از نمونه‌های صنعتی بود. با همان ترکیب تک‌فاز سه تا از اینها را به هم وصل کردیم و تبدیل شد به سه فاز. اتفاق جالبی افتاد. عملکرد سیستم تک‌فازی که ساخته بودیم بالاتر از سه فاز صنعتی بود. از سوپرمارکت‌ها شروع کردیم. نمونه‌ها را می‌دادیم تا عملکرد سیستم‌های جدیدمان را بررسی کنیم. به واسطه پدر همسرم که بازنشسته جهادکشاورزی بود و شناخت زیادی به این حوزه داشت، چند نمونه هم در مرغداری‌ها نصب کردیم. عملکردشان خیلی خوب بود.

تمام حقوقم را خرج مقاله می‌کردم

جرقه‌ای شد تا پپ‌اش را بگیرم. ۲۸۹ تا مقاله در رابطه با این موضوع مطالعه کردم. آن موقع اینترنت هم خیلی کند بود. برای همین پول می‌دادم تا برایم مقاله پیدا کنند. ماهی می‌شد که تمام حقوقم را بابت مقاله خرج می‌کردم. یکی از اتاق‌های خانه را تبدیل به کارگاه و آزمایشگاه کرده بودم. خازن‌ها روغنی دارند که بسیار بد بو است. بعد از مدتی که کار کردم بوی بد روغن موجب شد تا گوشه حیاط برای خودم کارگاهی بسازم. علت‌های خرابی خازن‌ها را بررسی کردم.



”
در بدو ورودم
به ارومیه سه
ماه بر روی
دستورالعمل‌های
ایمنی که پنجاه
سال پیش تدوین
شده بود کار
کرده و چهار
ایراد اساسی را
بازتدوین کردم.
وزیر نیرو به پاس
سه ماه تلاش
شبانه‌روزی‌ام
یک تقدیرنامه به
همراه یک ساعت
دیواری به عنوان
هدیه به من
ارسال کردند